

## اهمیت جایگاه تاریخنگاری خاندانی و تبارشناسی موضوعی در پژوهش‌های علوم انسانی و تاریخ پزشکی

ابوالفضل حسن‌آبادی الف\*

تاریخ دریافت: آبان ۱۴۰۳  
تاریخ پذیرش: آبان ۱۴۰۳

الف مدیریت مخطوطات، کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، ایران

شجره‌شناسی در ایران، بحث تبارشناسی در دنیا بیشتر مطرح است. به نظر من بحث تبارشناسی و شجره‌شناسی در کشورهایی که هویت تاریخی ممتلئ دارند، یکی از نقاط قوت و شاخصه‌های هویتی محسوب می‌شود. کشوری که هزاران سال قدمت دارد، قطعاً خاندان‌ها و خانواده‌های بزرگی در آن طی دوره‌های مختلف تاریخی از طریق حکمرانی علمی و عملی ظهرور کرده‌اند و می‌توان گفت تاریخ کشور ما مملو از تاریخ خاندان‌ها و خانواده‌هایی است که به‌نوعی در حوزه‌های علمی، دینی و حکومتی تأثیرگذار بوده‌اند.

قبل از اینکه وارد بحث تبارشناسی شویم، لازم می‌دانم درباره یک نکته صحبت کنم و آن هم اهمیت ارائه تعریفی درست از تاریخ خاندان و خانواده است. واقعیت این است که بین تاریخ خانواده‌ها با خاندان کمی تفاوت وجود دارد که در ایران کمتر به آن توجه می‌شود. تاریخ خانواده معمولاً یک فرد با زیرمجموعه خودش را دربر می‌گیرد، اما تاریخ خانوادگی، حداقل در نیم قرن اخیر در دنیا مورد توجه قرار گرفته است و در موضوعاتی مانند گسترهای بین‌نسلی، تعمیق پیوندهای خانوادگی و همچنین بسترسازی برای هویت در آینده روی آن تأکید زیادی می‌شود. حتی در کشورهایی مانند آمریکا به ضبط عمومی و نگهداری تاریخ‌های خانوادگی، فارغ از توجه به ارزش‌های اطلاعاتی آنها، اقدام می‌کنند که اغلب از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و یا یکی از مراکز پژوهشی جمع‌آوری شده‌اند. هدف اصلی این

بسیار... الرحمن الرحيم. در خدمت استاد ارجمند جناب آقای دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی، ریاست محترم بخش مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، هستیم. ایشان بیش از دو دهه در حوزه شجره‌نامه‌ها و تاریخنگاری خاندان‌ها مشغول به تحقیق و پژوهش هستند. همچنین موضوع پایان‌نامه تحقیقاتی دکتری ایشان هم در این زمینه بوده است؛ بنابراین از ایشان درخواست کردیم در مورد اهمیت تاریخنگاری علمی شجره‌نامه‌ها و تبارنامه‌های خاندانی به‌ویژه در خاندان‌های پزشکی و اهمیت تاریخنگاری آنها صحبت بفرمایند (این مصاحبه را دکتر محمد صدر در تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۳ به مدت ۵۸ دقیقه انجام داده و مجری طرح سوالات نیز، ایشان بوده است).

بسیار... الرحمن الرحيم. دکتر حسن‌آبادی هستم، مدیر مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی و سال‌ها هم در مرکز اسناد آستان قدس به عنوان مدیر مرکز اسناد مشغول به کار بودم. به تناسب نوع تجربیاتی که در مرکز اسناد به‌ویژه در زمینه تاریخ شفاهی و علاقه شخصی داشتم در این زمینه فعالیت علمی و تجربی زیادی دارم. موضوعی به نام شجره‌شناسی، که در ایران بیشتر در زمینه سادات و خاندان‌های مذهبی مطرح است، یا تبارشناسی که کاربرد عمومی‌تری نسبت به شجره‌شناسی دارد، از موضوعات جذاب برای پژوهشگران به شمار می‌رود. در مقایسه با

اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا در دنیا کمتر مشاهده می‌کنید که این میزان علاقه به تاریخ خاندانی از طریق مستندسازی هویت مذهبی وجود داشته باشد.

- در میان کشورهایی که به ثبت تاریخ خانوادگی و خاندانی علاوه‌مند هستند، مشخصاً از کشور انگلیس نام برده‌د. چه کشورهای دیگری به این حوزه علاوه‌مند هستند؟ چرا این ایده مطرح شده که تاریخ خاندان‌ها و خانواده‌ها به صورت علمی در یک جایی ثبت شود؟ در مورد اهداف و کارکردهای ثبت این تاریخ‌ها توضیح دهید. معمولاً کشورهایی که به‌ویژه جبهه مهاجرت و مهاجرپذیری دارند، علاقه زیادی به این حوزه نشان می‌دهند. به‌طور مشخص بخواهم نام ببرم، در آمریکا، که مجموعه‌ای از کلونی‌های مهاجر است، در حوزه مستندسازی تاریخ سیاهان و مهاجرت‌های صورت‌گرفته از کشورهای دیگر مانند انگلیس و فرانسه پژوهش‌های زیادی انجام شده و از اوایل قرن ۱۷ م انبوه کتاب‌های تاریخ محلی با رویکرد تاریخ خانوادگی نوشته شده که برخی از خانواده‌های مهاجر به‌نوعی در پی تاریخ‌سازی برای خود هستند، حتی بسیاری از افراد شغلشان در قرن ۱۸ و ۱۹ م در آمریکا اصلاً همین است که تاریخ خاندان‌ها را مستند کنند. از اوایل قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، برخی سازوکارها برای منظم‌سازی فعالیت‌ها در زمینه تبارشناسی و تاریخ خانوادگی در آمریکا شکل گرفت. انجمن تبارشناسی آمریکا در سال ۱۹۰۳ م با شش عضو شروع به کارکرد و در طی بیش از ۱۰۰ سال، فعالیت‌های خود را در تمام آمریکا گسترش داد و ۱۰ هزار عضو جذب کرد. انجمن تاریخ‌دانان آمریکا در سال ۱۹۰۴ م تأسیس شد و انجمن تاریخ محلی و ایالتی آمریکا در سال ۱۹۶۴ م به وجود آمد. هر کدام از این سه انجمن، فعالیت‌های مستمری را در زمینه تاریخ خاندانی و تبارشناسی انجام می‌دهند. این انجمن‌ها ضمن جذب اعضا و آشناکردن آنها با یکدیگر به‌منظور انجام فعالیت‌های علمی، اقدام به تدوین استانداردهای جدید کاری می‌کنند. انجمن تبارشناسی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۰ م، استانداردهای منظمی را تعریف کرده و بین سال‌های ۲۰۱۴

است که رد پای هر خانواده‌ای در تاریخ آینده آن کشور باقی بماند. این تلاش ممکن است از طرف نهادهای حاکمیتی با اعمال سیاست‌گذاری و یا توسط خود خانواده‌ها انجام شود. علاوه بر این جمع‌آوری، دسترس‌پذیری و اطلاع‌رسانی آن هم مورد توجه است؛ به‌طور مثال، در انگلستان در شهرهای بزرگ مانند لندن، آرشیوهای محلی برای شناسایی خانواده‌های هر محل و ثبت سابقه آنها ایجاد شده، به‌طوری‌که تاریخ خانواده‌های آن محل و جابه‌جایی آنها نیز مشخص است. چرا تا این حد دقیق کار می‌کنند؟ به این دلیل که اعتقاد دارند هویت شهرها، روستاهای محله‌ها ارتباط مستقیمی با هویت مردم و ساکنانی دارد که در آن زندگی می‌کنند. به هر نسبتی که این هویت مستندتر باشد، به همان نسبت تاریخ مستندتری برای آینده دارند.

در ذیل این بحث، تاریخ خاندانی هم مطرح می‌شود. تاریخ خاندانی یک تفاوت با تاریخ خانوادگی دارد که شاید مهم‌ترین وجه بارزش این است که تاریخ خاندانی مربوط به کشورهایی با سابقه هویت تاریخی است. چرا؟ به این دلیل که خاندان، مجموعه‌ای از چند خانواده در چند نسل و در چند دوره تاریخی است؛ یعنی شما باید هم هویت، هم قدمت و به‌ویژه مدارک مستندی داشته باشید تا بتوانید تاریخ یک خاندان را معرفی کنید. شما اکنون می‌توانید در کشورهای جدید و تازه بزرگ‌شده‌ای مثل کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، روی تاریخ خانوادگی تمرکز کنید و حتی به صورت خیلی موردي یکسری بررسی تاریخ‌های خاندانی محدود را انجام دهید، اما این موارد با ایران، که چند هزار سال تاریخ دارد، تفاوت اساسی دارند. در هر گوشه از این کشورها، تاریخ‌های مستندشده‌ای وجود دارد که بیانگر عملکرد خانواده و یا خاندانی است. وجود اهمیت تاریخ‌های خاندانی در ایران به دلیل تنوع محتوایی آن است؛ یعنی تاریخ کشور ارتباط مستقیمی با خاندان‌های حکومتی، خاندان‌های علمی و مذهبی دارد. برخی از خاندان‌ها بیش از ۶۰۰ تا ۷۰۰ سال تاریخ خاندانی مستند دارند، سوابقشان مشخص است و شجره‌هایشان تکمیل شده است. این امر در حوزه مذهبی و به‌ویژه در حوزه سادات (حسنی، حسینی، موسوی و رضوی)

- ثبت تاریخ خاندان‌ها و تبارشناسی آنها در خارج از ایران مثلاً در کشوری مثل انگلیس یا آمریکا از چه استانداردهایی پیروی می‌کند؟

در دنیا استانداردهایی برای تبارشناسی تعریف شده که آخرین ویرایش آن در سال ۲۰۲۴ است. این نسخه چند بُعد را دربر می‌گیرد:

۱) شایستگی اخلاقی؛ این‌که یک فرد به عنوان یک نسب‌شناس، تبارشناس و به عنوان کسی که می‌خواهد روی تاریخ یک خانواده کار کند، چه اصول اخلاقی‌ای را باید رعایت کند؟ یک نسب‌شناس، امین یک خانواده و خاندان است و امکان دارد در طی پژوهش خود به اطلاعات محترمانه خانوادگی، اطلاعات محترمانه پزشکی و شغلی بر بخورد و باید محظوریت‌ها و نکات اخلاقی را رعایت کند.

۲) از منظر شایستگی علمی است؛ فردی که قرار است به عنوان نسب‌شناس فعالیت کند، باید از جنبه موضوعی و محتوایی به منابع اشراف داشته باشد، با اسناد و نسخ خطی آشنا شود و نحوه استنتاج از اطلاعات را آموخته باشد و در کنار آن هنر نقد و بررسی نیز داشته باشد. در این استانداردها حتی درباره قالب ارائه مطالب و نحوه آن نیز بحث شده است؛ یعنی این‌که چگونه اینها در کنار هم گذاشته شود و در یک قالب مشخصی به نام تاریخ مثلاً خاندانی، تاریخ خانوادگی و تبارشناسی ارائه شود. البته در دنیا تفاوتی برای انواع تبارشناسی ارائه نشده است، اما در ایران و کشورهای اسلامی بین تبارشناسی سادات و غیرسادات تفاوت‌هایی وجود دارد. در حوزه نسب‌شناسی سادات سخت‌گیری زیاد وجود دارد و افراد آشنا به کتاب‌های مرجع زیاد نیستند. درحالی‌که در زمینه عمومی قضیه‌ی تا حدی متفاوت است. بحث تاریخ خاندانی و خانوادگی، که هر کسی بتواند تاریخ خودش را مستند کند، یک موضوع علمی است که می‌تواند به صورت شخصی و یا سازمانی انجام شود. تلاش مؤسسات و انجمن‌های تبارشناسی در دنیا بر گسترش عمومی ثبت تاریخ‌های خانوادگی و خاندانی و انجام آن در چهارچوب

۲۰۲۱ و ۲۰۲۴ م پیوسته متناسب با گذرا دوران، آنها را ارتقا داده است؛ برای مثال، آخرین استاندارد ۲۰۲۴ م بحث DNA را مطرح کرده که در کانادا هم فعالیت‌هایی صورت گرفته است، چرا؟ به این دلیل که کانادا کشور مهاجران بوده و اعتقاد بر این است که هر خانواده‌ای به کانادا وارد می‌شود، باید تاریخ‌ش مستند باشد؛ زیرا شناسایی پیشینه خانواده‌ای که وارد آن کشور می‌شوند، به درک فهم پیشینه خانوادگی آنها و تطبیقشان با جای جدید کمک می‌کند. این مستاند در استرالیا هم مورد توجه است.

- کارکرد این شجره‌نامه‌ها و ثبت تاریخ خاندانی و خانوادگی را در کشورهای مهاجرپذیر گفتید. ولی ظاهراً کارکرد این شجره‌نامه‌ها و ثبت این تاریخ‌های خاندانی در ایران و کشورهای اسلامی از نظر فقهی و از نظر علم انساب اهمیت داشته است.

بحث تبارشناسی در اسلام از همان آغاز مورد توجه بوده. چرا؟ چون بحث تبارشناسی حدیثی و شناخت سلسله راویان وجود دارد. برخی از مورخان بزرگ قرون اولیه مانند حاکم نیشابوری از همین سلسله راویان و محلثان بودند و یکی از مهم‌ترین محمول‌ها و بسترها بیان که تاریخ‌نگاری خاندانی در آن بستر رشد کرده، اما برجسته نشده تاریخ‌نگاری خاندان‌های سادات است. اهمیت انتساب به ائمه و لزوم نگهداری تاریخ و شجره سادات به عنوان یک گروه در جامعه توسط نقیب، ظرفیت تاریخ خاندانی سادات را بالا برده است. نقیب مسئول اداره امور سادات و شناخت نسب و نگهداری آنها بوده است. کتاب‌های انساب و تاریخ سادات در زمرة کتاب‌های رجالی و محلی دسته‌بندی می‌شوند. برخی از این کتاب‌ها مانند انساب سمعانی و لباب الالباب از کتاب‌های مرتع به شمار می‌روند و برخی دیگر مانند شجره طیبه به صورت موردي نوشته شده است. بعضی از این خاندان‌های بزرگ بدليل علاقه‌مندی و یا دارابودن موقعه‌های اولادی، با تهیه شجره‌ها و جمع‌آوری استناد و مدارک علاقه‌مند به نگهداری تاریخ خودشان بودند.

نباید از یاد ببریم که انجام درست کار مستلزم برنامه ریزی، آموزش و ترویج صحیح است. این حوزه هنوز در ایران به عنوان یک روش علمی مطرح نشده، اما در انگلستان یکی از مشاغل اصلی مرتبط با تاریخ در زمینه تبارشناسی است. به این صورت که درواقع شما به یک فردی سفارش می‌دهی و می‌گویی برو تاریخ خاندان من را پیدا کن و بنویس. این مورد به عنوان یک شغل مطرح است. البته فرصت مناسب برای فراگیری وجود دارد.

به نظر نمی‌رسد که کار بر روی تاریخ خانوادگی در کشورهای مختلف اسلوب‌های متفاوتی داشته باشد. بسیاری از استانداردهای شجره‌شناسی در دنیا در ایران نیز می‌توانند مورداستفاده قرار گیرد؛ زیرا در برگیرنده اصولی است که باید بر کلیت پژوهش‌های خاندانی حاکم باشد، اما در زمینه روش ممکن است تفاوت‌هایی به تناسب موضوع و محل وجود داشته باشد. از جمله در زمینه سادات که با کشورهای غربی متفاوت است. بررسی کارهای خاندانی انجام شده نیز نشان می‌دهد که همه اینها براساس علاقه بوده و روش کمتر مورد توجه است. در زمینه سازوکار و ساختار عمومی تاریخ خاندانی بیش از ۱۰۰ سال از دنیا عقب هستیم، اما در زمینه تاریخ نگارش تاریخ‌های خاندانی قدمت بیشتری وجود دارد. در این زمینه باید فعالیت‌هایی منظم و ساختاری مانند راهاندازی انجمن، انتشار مجله و تدوین استانداردها مدنظر قرار گیرد.

- اگر یک پژوهشگر بخواهد به صورت نظاممند روی تاریخ خاندان‌ها و تبارهای پژوهشکی، بر مبنای اسناد آستان قدس رضوی پژوهش کند از کجا باید شروع کند؟ یعنی خودش می‌تواند اطلاعات موردنیازش را روی سایت جست‌وجو کند یا نیازمند آموزش‌های تخصصی است که بداند از چه نقطه‌ای شروع کند، به چه نقطه‌ای بروند و چه سلسله‌مراتبی را طی کند تا پژوهش او حالت سلیقه‌ای نداشته باشد، به گونه‌ای که در آینده هم حداقل خطای داشته باشد و حداقل اطلاعات را بتواند ثبت کند؟

استاندارد است و به همین منظور هر ساله نشست‌ها و کارگاه‌های زیادی در دنیا برگزار می‌شود.

- حضرت عالی گفتید در دوره اسلامی ثبت تاریخ خاندانی از قرن دوم حداقل برای سادات وجود داشته است؛ غیر از سادات، خاندان‌های دیگری داشتیم مانند خاندان بنی موسی که منجم بوده‌اند یا خاندان‌های بختیشور که پزشک بودند و یا خاندان‌های دیگر مانند خاندان سنان که در زمینه‌های نجوم و طب به صورت خاندانی فعالیت می‌کردند. لطفاً در مورد خاندان‌های موضوعی و استانداردهای ثبت تاریخ آنها توضیح دهید.

ما خاندان‌های موضوعی بسیاری داریم؛ یعنی همان‌طور که حضرت عالی فرمودید، در ایران به‌دلیل وراثت هنر و حرفه، خاندان‌های مختلفی مانند خاندان‌های پزشک، خاندان‌های منجم، خاندان‌های خوشنویس، خاندان‌های هنرمند و خاندان‌های صحاف وجود داشته است؛ مثلاً خاندان مروارید در مشهد در زمرة خاندان‌های علمی و هنرمند محسوب می‌شوند. آستان قدس یکی از بزرگ‌ترین مراکز خاندان‌ها در دنیا به‌شمار می‌رود که رد پای بسیاری از خاندان‌ها را می‌توان در آن به‌طور مستند یافت؛ از جمله اولین واقف رسمی آستان قدس، عتیق‌علی منشی در سال ۹۳۱ هش است. خاندانی که به ایشان متسب است، هنوز در آستان قدس خادم هستند. به‌منظور مستندسازی تاریخ خاندانی، واحد مطالعات در مرکز اسناد ایجاد شده است. در کنار این اسنادی که وجود داشته، مصاحبه‌هایی هم برای مستندسازی این اسناد و ثبت و ضبط آنها انجام شده و فعالیت‌های خوبی از جمله در زمینه تاریخ پژوهشکی آستان قدس شروع شده است؛ برای مثال، در زمینه خاندان‌های پژوهشکی مانند سalarی‌ها و شاملوها، تاریخ معاصر پژوهشکی در مشهد و تبارشناسی مورد توجه قرار گرفت. در چشم‌انداز کتابخانه ملی نیز تاریخ خاندانی مطرح است و بهویژه با استفاده از تاریخ شفاهی در تهران و مراکز وابسته در شهرستان‌ها، فعالیت‌هایی به صورت پراکنده انجام شده است.

۲۰۲۴م انجمان شجره‌شناسی، بحث DNA و تبارشناصی پزشکی وارد شده است.

علاوه بر موارد فوق توجه به انتقال تجربیات پزشکی در تاریخ معاصر نیز اهمیت دارد. درگذشته هر حکیمی شاگردانی داشت که از طریق آنها شیوه طبابت و تجربیات خود را منتقل می‌کرد. این مسئله با رسمی‌شدن آموزش در دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به سختی می‌توان در حوزه پزشکی رد پای استادان پزشکی را برجسته کرده یا خاندان‌های سنتی عطاری‌ها را شناسایی کرد. در زمینه تبارشناصی پزشکی، یک‌سوی آن تاریخ سنتی پزشکی و بومی ما است و سوی دیگر کشش تاریخ‌نگاری مدرن پزشکی و معاصر است، هر دو هم در جای خود مهم‌اند.

پژوهش بر روی تبارشناصی پزشکی را می‌توان از دو مسیر جداگانه پیگیری کرد. اول به صورت غیرحرفه‌ای و توسط علاقه‌مندان به تاریخ پزشکی و یا خود خانواده‌پزشکان و دوم در قالب دانشگاهی و طرح‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی در حوزه ارشد و دکتری تاریخ پزشکی و یا توسط آرشیوها.

باتوجه به تجربیات قبلی من، بیشتر کارهای صورت‌گرفته در زمینه تاریخ پزشکی در دانشگاه‌ها و مراکز اسنادی انجام پذیرفته و حوزه پزشکی به صورت غیرحرفه‌ای کمتر مورد توجه بوده است. در زمینه تاریخ خاندانی نیز کارهای چندانی انجام نشده و حلقة گمشده در کلیه فعالیت‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی، آموزش و درک صحیح از انجام چنین پژوهش‌هایی است و باید با تعریف دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت، تشکیل انجمان و رشته‌های تخصصی گام‌های بلندتری برداشته شود.

- گاهی نسخه‌های خطی‌ای را می‌بینیم که در ابتدای آنها مهرهای تملک زده‌اند که نشان می‌دهد این کتاب مثلاً بین هفت نسل پزشک یا منجم در خانواده منتقل شده است. این داده‌ها چه ظرفیت‌های پژوهشی ای می‌تواند برای ما ایجاد کند؟ برای نمونه بررسی مهرهای تملک و ردگیری خانوادگی پزشکان.

آنچه اکنون در حوزه تاریخ خانوادگی و خاندانی در ایران مطرح می‌شود بیشتر کلیشه و سلیقه‌ای است و در دنیا وقتی تاریخ یک خاندان و خانواده را بررسی می‌کنند از ابعاد مختلفی به آن می‌نگرند و لایه‌های اطلاعاتی عمیق‌تر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بحث و راثت به خصوص در زمینه‌های تاریخ خاندانی و برجسته‌سازی اطلاعات آن از اهمیت برخوردار است. البته این موضوع در ایران به‌دلیل قدمت تاریخی می‌تواند اهمیت بیشتری داشته باشد در حالی که کمتر به آن توجه شده است. مسئله تبارشناصی خاندانی فراتر از علاقه شخصی و تاریخی می‌تواند جنبه کاربردی نیز داشته باشد. با شناخت بهتر تاریخ خاندان‌ها می‌توان برخی ژنهای خوب را شناسایی و برای آن برنامه‌ریزی کرد؛ بخشی که می‌توان از آن به تبارشناصی نخبگی نیز یادکرد. برخی کشورهای مهاجرپذیر نیز با برنامه‌ریزی دقیق و با شناخت تاریخ خاندان‌ها تلاش دارند تا با جذب نخبگان در اصل ژن نخبگی را وارد چرخه خانوادگی خود کنند. یکی از مباحث جدی، که اکنون در ایران همه داد می‌زنند، این است که مهاجرت کردن فقط رفتن نیست و ژن دارد منتقل می‌شود. می‌گویند شما نگران این فرد نباشید که دارد می‌رود، این پزشک نشد، یک پزشک دیگر. شما متوجه نمی‌شوید که این چهار نسلش پزشک بوده و این فرد فارغ از این که پزشک است، یک ژن نخبگی پزشکی در درونش وجود دارد که مربوط به چهار نسل قبلی‌اش است. این ژن دارد از این مملکت بیرون می‌رود؛ یعنی یک گام فراتر.

در دهه اخیر تبارشناصی پزشکی با رویکرد اثبات نسب خانوادگی و شناخت بیماری‌ها در دنیا مورد توجه بسیاری بوده است. در همه خاندان‌ها بیماری‌های موروثی وجود دارد و این امری شایع است. این امر در حوزه پزشکی با استفاده از پزشک خانوادگی و توجه به ریشه بیماری از اهمیت برخوردار است؛ مسئله‌ای که در طب سنتی نیز با رویکرد پیشگیری مهم‌تر از درمان، اهمیت دارد.

در زمینه تبارشناصی خاندانی و اثبات نسب، استفاده از آزمایش ژنتیک مورد توجه قرار گرفته و در ویرایش استاندارد

پیش‌نیازهایی داشته باشد و چه دوره‌هایی را بگذراند و کجا باید این آموزش را بینند؟

متأسفانه، ما هیچ جای مشخصی نداریم که در حوزه تاریخ خاندانی آموزش دهد؛ یعنی آموزش کارگاهی و رسمی کوتاه‌مدت یا بلندمدت وجود ندارد. باتوجه به تجربه من و سابقه انجام تاریخ‌های خاندانی در دنیا، علاقه مهم‌ترین شرط برای انجام تاریخ‌های خاندانی است. انجام تاریخ‌های خاندانی زمان زیادی می‌طلبد. پژوهشگران خاندانی‌ای وجود دارند که عمری را صرف جمع‌آوری و تحقیق بر روی استناد خاندانی خود کرده‌اند. این مسئله در هر حوزه موضوعی می‌تواند مطرح باشد. عموماً این نوع پژوهش‌ها به صورت شخصی انجام می‌شود.

در زمینه آموزش رسمی نیز منبع مشخصی برای راهنمایی در زمینه انجام تاریخ‌های خاندانی وجود ندارد و بیشتر سلیقه‌ای است. آنچه در برخی تحقیقات انجام‌شده در پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های چاپ‌شده مشخص است، بیشتر تکالیف دانشگاهی و یا علاقه‌شخاص بوده که از آن به‌نحوی حمایت شده است. رویکرد بیشتر آنها تاریخی است و به کارکردهای تجاری، اقتصادی یا سیاسی خاندان‌ها باتوجه‌به استناد و مدارک در دست محقق پرداخته شده است.

برای انجام صحیح کار، در گام اول تدوین دو واحد برای انجام تاریخ‌های خاندانی و الزامات و پیش‌نیازهای آن می‌تواند مفید باشد. در کنار آن، تدوین کتاب‌های راهنمای جامع می‌تواند کمک خوبی برای علاقه‌مندان باشد. باتوجه‌به نبود رشته و یا متولی خاص برای تاریخ خاندانی باید با ایجاد انجمان، زمینه آشنایی متخصصان در موضوعات مختلف فراهم شود. این امر صبر و حوصله زیادی می‌خواهد و البته تعدادی پژوهشگر علاقه‌مند که پیگیر انجام آن باشند.

در کنار همه اینها، در اولین گام تدوین استانداردهایی برای شروع از همه ضروری‌تر است تا شاخصه‌های یک غارشناص و نسبشناص و الزامات کارکردنی و رویکردی آن مشخص باشد؛ به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های

بله. ما بحث تبارشناسی نسخ خطی را داریم که از جنبه‌های متفاوتی به آن پرداخته شده و واقعیت‌ش موضع جدیدی هم نیست. هر نسخه‌ای یک سیر منطقی از ایجاد و پیدایش تا وضع موجودش را طی کرده که گاهی این سیر منطقی مستند شده است و گاهی هم افتادگی دارد. گاهی قرآنی مثل قرآن عثمان بن ورّاق کاغذساز، جلدساز، مذهب‌کار و واقفس مشخص است. سیر تبارشناسی نسخ خطی در اصل داستان زندگی نسخه است. حال گاهی این نسخه، خاندانی است و گاهی نه. گاهی یک نسخه چند دست در یک خانواده چرخیده است، خصوصاً در قرآن‌ها ما نسخه‌های خاندانی قرآنی زیادی داریم. به طور مثال، امروز، به مرکز نسخ خطی آستان قدس قرآنی اهدا شده که حاوی اطلاعاتی مانند این است که چه موقع خریداری شده، چه کسی آن را خریداری کرده، اطلاعات خاندانی مانند تولد و ازدواج، مرگ و میر و یا اتفاقات جالبی که محیط رخداده است؛ مانند فردی که در جنگ ظفار به شهادت رسیده بود و داستان خانواده‌اش، این‌که حتی پول خون‌بهایش را گرفتند و چه کاری انجام دادند یا یخ‌بندانی که در ۱۳۴۲هش در اطراف بجنورد رخ داد و رودخانه به‌نحوی یخ زد که می‌شد با ماشین از روی آن رد شد. اینها را می‌توان در زمرة تبارشناسی بیرونی نسخه محسوب کرد که ممکن است ربط مستقیمی با محتوای آن نداشته باشند. اما اطلاعات مهم دیگری نیز در نسخ وجود دارد که ارتباط مستقیمی با آن دارند؛ مانند کاتب، جلدساز، مؤلف و یا مهرهای نسخه مانند تمک، عرضید، رسم خزانه و .... مجموعه اینها تبار یک نسخه را مشخص می‌کند و اطلاعات برخی از آنها که به‌ویژه در اختیار خاندان‌های علمی و مذهبی بوده است بیان کننده سرگذشت خاندان است.

- برای انجام پژوهش در زمینه خاندان‌های پژوهشی، محقق باید چه پیش‌نیازهایی داشته باشد؟ یعنی اگر یک دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکترا بخواهد به صورت نظام‌مند، تاریخ خاندان‌های مرتبط با پژوهشی مانند پژوهشکان، جراحان یا شکسته‌بندها را تدوین کند باید چه

اطلاعات زیادی نیز وجود دارد که به‌ندرت در اسناد مکتوب منتقل شده است و در زمرة خلاهای اطلاعاتی به‌شمار می‌آید. یکی از راه‌های پرکردن این فاصله‌های اطلاعاتی انجام پژوهش‌های خاندانی است. این امر از طریق شناسایی خانواده‌ها و خاندان، انجام مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و جمع‌آوری اسناد و مدارک تاریخی خانواده امکان‌پذیر است. برخی از موضوعاتی که شما اشاره کردید به‌طور مستقیم به تبارشناسی دانش پزشکی مرتبط است. یکی از راه‌های اصلی انتقال دانش پزشکی درگذشته از طریق تربیت شاگردان بوده است. از زمانی که دانش پزشکی ما به‌صورت رسمی آموزش داده می‌شود بحث انتقال شاگرد کمتر مورد توجه قرار گرفته و در آموزش‌های دانشگاهی خلاصه شده است. خیلی از اولین‌ها و ساختارهای ایجابی در تبارشناسی دانش پزشکی ما ردّ پایش کمتر مشخص است. تقابل طب سنتی و مدرن به چه صورتی بوده است؟ برخورد مردم با داروهای شیمیایی چگونه بوده است؟ آیا این واکنش‌ها در مناطق مختلف یکسان بوده است؟ آیا ما نمی‌توانیم وارد یک شخصیت‌شناسی مثلاً در مسئله هویت پزشکی هر منطقه شویم؟

در بحث موردي برای تبارشناسی دانش پزشکی می‌توان به ورود پزشکان خارجی و تأثیر آنها در مناطق مختلف اشاره کرد. در شهر مشهد مسئله پزشکی مدرن و پزشکان خارجی با بیمارستان‌های دولت‌های خارجی از اوایل قاجار شکل گرفت. آستان قدس جزو اولین مراکز در ایران بود که بیمارستانی مدرن در مشهد ساخت. پزشکان خارجی که توسط آستان قدس در بیمارستان شاهرضا به کار گرفته شدند تأثیر زیادی بر پزشکی مدرن مشهد داشتند. بررسی و پیگیری شکل‌گیری هویت‌ها و تبارهای پزشکی نیازمند گذشت زمان زیادی است و این هویت یکشنه شکل نمی‌گیرد. خیلی از این هویت‌های پزشکی چنانچه به‌صورت تبارشناسی بررسی شوند، تبدیل به هویت می‌شوند. شما در بررسی تبار برخی از پزشکان موفق درگذشته به برخی از خصوصیت‌ها بر می‌خورید که از اهمیت برخوردارند؛ یک جنبه، مردمی بودن است، بحث دیگر هوش اجتماعی و تأثیرگذاری اجتماعی این فرد است و بحث دیگر تأثیرگذاری فرهنگی و میزان تلاش

یک نسب شناس خوب در استانداردهای جهانی، فارغ از آگاهی و علاقه، بحث ارتباطات خوب است. برقراری ارتباط با خاندان اهمیت زیادی دارد. درواقع شما می‌خواهید به لایه‌های زیرین اطلاعات این خاندان دسترسی پیدا کنید، مواردی که اصلاً هیچ‌کسی از آنها خبر ندارد و ممکن است انتشار آن به خانواده صدمه بزند. بحث کدهای اخلاقی در تاریخ خاندانی از مهم‌ترین سرفصل‌های تدوینی است و تأکید زیادی بر حفظ کرامت انسانی خاندان‌های صاحب اطلاعات دارد.

- یکی از فضاهایی که شما هم در بحث به آن اشاره کردید، بحث پزشکی و خاندان‌های پزشکی است. در دوره قاجار، خصوصاً دوره ناصرالدین، که دارالفنون تأسیس شد، تحولات مهمی در حوزه پزشکی و داروسازی صورت گرفت. با ورود پزشکان خارجی و ایرانی‌های تحصیل‌کرده در اروپا داروهایی تجویز می‌شد که پیش از آن در طب سنتی نبود. این امر باعث شد صنعت دارو و داروخانه به شکل جدیدی در ایران شکل بگیرد. همچنین ابزارهای طبی و روش‌های تشخیصی جدیدی به ایران وارد شد. برای نمونه دستگاه اشعه ایکس‌ری و یا آزمایش تجزیه ادرار را آوردنند که قبلًا وجود نداشت. در این راستا خانواده‌هایی به تأسیس داروخانه و طبابت و جراحی در دوره معاصر، یعنی در ۲۰۰ سال اخیر مشهور هستند؛ بنابراین فضای خوبی برای ثبت این فعالیت‌ها و تبارشناسی خاندان‌های پزشکی وجود دارد.

بحث تبارشناسی فراتر از تاریخ خاندانی است؛ درواقع یک واژه عام‌تر است که در دنیا ممکن است این امر بر موضوعات زیادی مانند قدرت و حتی تبهکاری صدق کند. تبارشناسی پزشکی بحثی فراتر از خاندان پزشکی است. برخی از موضوعاتی که شما ذکر کردید در ذیل خاندان‌های پزشکی و برخی در ذیل تبارشناسی پزشکی جا می‌گیرد و باید در جای خود بررسی شود.

برخی از اطلاعات را می‌توان با بررسی اسناد و مدارک بر جای‌مانده از آن دوره به دست آورد. این امر بستگی به تخصص پژوهشگر و میزان منابع در دسترس دارد و البته

جنبه‌های مختلف آن بود. امیدواریم از حضرت عالی برای برگزاری کارگاه‌هایی در این زمینه برای پژوهشگران و دانشجویان بهره ببریم و چند مورد از پایان‌نامه‌ها را در این حوزه تعریف کنیم تا نمونه‌کارهایی به صورت عملی در حوزه تاریخ پژوهشی انجام پذیرد. در پایان، از توضیحات دقیق و وقتی که در اختیار ما گذاشتیم، سپاسگزارم.

#### تضاد منافع

این مقاله هیچ تضاد منافعی ندارد.

برای جامعه و محیط اطراف است. دست‌اندرکاران باید بحث تبارشناسی پژوهشی را یک گام فراتر ببینند؛ یعنی تبارشناسی پژوهشی جزو ضروریات است و باید در آموزش پژوهشی و تربیت پژوهشک مورد توجه قرار بگیرد.

- با جنبه‌های مختلفی که امروز بیان کردید، مشخص شد ثبت تاریخ خاندانی و تبارشناسی علاوه بر جنبه تفاخری، با جنبه‌های گسترده‌تری مانند جنبه‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی، سیاسی، فرهنگی و حتی آینده‌پژوهی نیز مرتبط است و جنبه‌های کاربردی مختلفی هم دارد. همان‌طور که بیان کردید، صحبتی که امروز داشتید، طرح موضوعی اجمالی در خصوص تبارشناسی خاندان‌ها و